

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

فرستنده: جهانگیر محبی

۰۴.۰۵.۱۰

همه چیز اینک در گرو جنبش کارگری است!

به مناسبت اول ماه مه روز جهانی کارگران

اول ماه مه در ایران، از زمان به قدرت رسیدن جمهوری اسلامی همواره معنای خاصی کسب کرده است، زیرا خصلت ضد کارگری رژیم از همان ابتداء خود را در سرکوب شوراهای کارگری، سازمان های مدافع این طبقه و همه دست آوردهای مترقی قیام شکست خورده زحمت کشان در سال ۵۷ به نحو خشنی نشان داده است. ماه مه امسال اما، در پرتو اوضاع متشنج جامعه و سرنوشت نامعلوم جنبش های اجتماعی از ویژگی تاریخی خاصی برخوردار است. شرایط حاکم بر جامعه، رشد تضادهای اجتماعی و طبقاتی و در نتیجه تشدید ترور و سرکوب در ابعادی بیسابقه از یکسو و بی ثمر بودن طرح ها و آلترناتیوهای بورژوائی و درون جناحی، همه و همه اول ماه مه امسال را از محدوده مسایل و منافع کارگران ایران بسا فراتر برده و آن را تبدیل به اهرمی برای تحقق مصالح همه گروه های اجتماعی و نیروهای آزادی خواه و مترقی کرده است. دلیل آن را باید در نقش و اهمیتی که طبقه کارگر در روند تناقضات اجتماعی و سیاسی جامعه کسب کرده است، جستجو کرد.

در شرایط کنونی، بدون طبقه کارگر و بسیج کارگران، سخن از آزادی و رهائی از زیر سلطه یک رژیم مستبد و سرکوبگر، از سنخ جمهوری اسلامی نمی تواند در میان باشد. مسایل و منافع طبقه کارگر ایران در واقع بیان خواست های دموکراتیک و آزادی خواهانه همه مردم ایران است و هر تحول مثبتی در این زمینه، ناگزیر و تاریخاً منوط به مبارزه این طبقه است. درست به این دلیل است که جناح های مختلف بورژوازی در داخل و خارج می کوشند کارگران را از ایفای وظایف تاریخی خود منحرف ساخته، آن ها را به عنوان وسیله ای برای تحقق اهداف خویش- که چیزی جز حفظ نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی نیست- مورد استفاده قرار دهند. تصادفی نیست که جناح های مختلف بورژوازی در داخل و خارج، به ویژه اصلاح طلبان در آستانه روز کارگر، به فکر این طبقه و سایر زحمت کشان افتاده اند و برای آنها "پیام" می فرستند. همانطور که در نوشته های پیشین اشاره کرده ایم، به زودی در کنار "سبز" کردن اغلب یادمان ها و سنت های تاریخی، به زودی شاهد اول ماه مه "سبز" نیز خواهیم بود!! پیام اخیر میر حسین موسوی به "مناسبت روز کارگر" را باید در این راستا دید. موسوی در پیام خود می گوید:

"راه حل مشکلات کارگران و معلمان، آزادی است" و این "آزادی" را البته در چارچوب "قانون اساسی" جمهوری اسلامی - که به باور او "میثاق ملی ماست"، می داند!! او صریحاً "از کارگران و معلمان ایران خواست" تا "به جنبش سبز بپیوندند."!! (بی بی سی، ۲۹ آوریل ۲۰۱۰)

از آقای موسوی باید پرسید مگر در دوران نخست وزیری شما نبود که این همه سرکوب و بیداد علیه کارگران و زحمت کشان و همه کسانی که برای حقوق اجتماعی و سیاسی مبارزه کرده اند، سازماندهی شد؟ بزرگترین لکه ننگ جمهوری اسلامی، یعنی نسل کشی زندانیان سیاسی دهه ۶۰، مگر با شرکت فعال شما به عنوان مسوول دولت انجام نگرفت؟ حال چگونه است که ناگهان به یاد "آزادی" که شما و دارودسته خاتمی از لگدمال کنندگان سیستماتیک آن بوده و با تکیه بر قانون اساسی ضد مردمی جمهوری اسلامی، هنوز هم هستید، افتاده اید؟ چه کسی می تواند ادعاهای شما مبنی بر دفاع از آزادی را پس از ۳۱ سال شرکت شما و همه "اصلاح طلبان" دوم خردادی در حفظ و تحکیم یک رژیم بربر و جنایت کار، باور کند؟ طبقه کارگر و زحمت کشان ایران دقیقاً با آگاهی از اهداف سیاسی کنونی و گذشته سیاهتان در نظام جمهوری اسلامی است که تاکنون به تاکتیک های شما برای به میدان کشاندن طبقه کارگر پاسخی نداده اند. کارگران آگاه و مبارز ایران که تازیانه دیکتاتوری و سرکوب را بر شانه های خود بیش از ۳۰ سال است که احساس می کنند، به خوبی می دانند آزادی آنها نه در "جنبش سبز" به عنوان سوپاپ اطمینان رژیم بلکه در سرنگونی کلیت جمهوری اسلامی با تمام جناح بندی های رنگارنگ آن، میسر است. از این رو خیالتان راحت باشد؛ زحمت کشانی که بار اصلی فقر و مذلت و دیکتاتوری رژیمی که شما و هم کیشانان مهره های مهم آن هستید را به دوش می کشند، حرف های بی اساس تان را نه تنها باور نمی کنند بلکه بر شدت مبارزه انقلابی خود علیه رژیمی که شما گویا نماینده "قانونی" آن هستید، خواهند افزود.

اما ببینیم وضعیت عمومی طبقه کارگر و زحمت کشان ایران در پرتو رژیم اسلامی چگونه است؟

ادامه بحران نظام سرمایه داری در مقیاس جهانی فشارهای اقتصادی و اجتماعی باز هم شدیدتری را نسبت به زندگی و کار کارگران و مزد بگیران کشورهای مختلف، به ویژه کشورهای پیرامونی که در واقع حلقه های ضعیف نظام امپریالیستی جهانی می باشند، اعمال کرده است. روزی نیست که خبر از تعطیل کارخانه ها و مؤسسات تولیدی و افزودن هزاران هزار کارگر و زحمت کش به اردوی بی کاران در سراسر دنیای سرمایه داری، نرسد. به این ترتیب دامنه فقر و فلاکت به عنوان پدیده ای لاینفک از نظام سرمایه داری، در این جوامع به سرعت رو به گسترش دارد.

پی آمدهای بحران جهانی نظام سرمایه داری طبعاً برای کشورهای پیرامونی از قبیل ایران، به عنوان حلقه ضعیف این نظام، وخیمتر و سنگین تر است. همه این ها به اضافه ستم اقتصادی و سیاسی که توسط بورژوازی بومی (جمهوری اسلامی) نسبت به توده های مردم اعمال می شود، روزگار سیاهی را برای طبقات زحمت کش جامعه رقم زده است. فقر و مذلت روز افزون همراه با ترور و اختناق شدید، بیش از هر چیز طبقه کارگر و مزدبگیران جامعه را در تنگنا قرار داده و عواقب بحران کمر آن ها را شکسته است. این در حالی است که ثروت جامعه و دست رنج کارگران و زحمت کشان صرف زندگی مجلل حاکمان اسلامی و توسعه دستگاه ترور و سرکوب می شود. انباشت این شرایط طی ۳۱ سال حاکمیت استبداد مذهبی در ایران، جامعه را بار دیگر در آستانه یک شورش سراسری قرار داده است. نشانه های این شورش را می توان در اعتراضات و تظاهراتی که پس از انتخابات ریاست جمهوری جریان یافت، به راحتی دید. تسلط جناح به اصطلاح رفرمیست بر این رخدادها و کوشش جناح های بورژوازی داخل و قدرت های امپریالیستی و عوامل رنگارنگ آن ها در خارج، برای جلوگیری از سامان یافتن

رادیکالیسم سیاسی و انسجام طبقاتی، مانع اصلی بر سر راه رشد و گسترش شورش و تبدیل آن به یک جریان آلترناتیو اجتماعی در مقابل نظام حاکم می باشد.

با این همه، طبقه کارگر ایران که طیف وسیعی از مزدبگیران را در بر می گیرد تنها نیروئی است که از نظر مادی قادر است اوضاع نابه سامان جامعه، ترور و اختناق و بن بست های اقتصادی و اجتماعی موجود را درهم شکسته، جامعه را از زیر سلطه نظام دیکتاتوری حاکم رها سازد.

اصلاح طلبان، که تاکنون در بسیج طبقه کارگر برای تسویه حساب با جناح حاکم، موفقیتی نداشته اند، بدون شک این بار نیز خواهند توانست طبقه کارگر و زحمت کشان ایران را به دنبال اهداف خود که چیزی جز حفظ و ادامه نظام ضد کارگری اسلامی نیست، بکشانند. در این راستا البته و مثل همیشه فرمیست های به اصطلاح چپ که مدعی دفاع از منافع طبقه کارگر هستند ولی همه کوشش آن ها صرف مبارزه با رادیکالیسم سیاسی - طبقاتی در جامعه می شود و به این ترتیب می کوشند طبقه کارگر و زحمت کشان را به دنبال برنامه های بورژوازی بکشانند، یاری رسان بورژوازی در به انحراف کشاندن مبارزات کارگری می باشند. کارگران ایران در عین حال که فاقد سازمانیابی سیاسی و سندیکایی می باشند، اما از شعور و انگیزه های طبقاتی معینی برخوردارند و به خوبی به تضاد منافع اجتماعی خود با جناح های بورژوائی از قبیل جریان سبز، آگاهند. این آگاهی به ویژه در بخش های فعال و سیاسی کارگران بیشتر دیده می شود. درست همین بخش از کارگران است که مورد یورش افسار گسیخته رژیم قرار دارد.

طبقه کارگر ایران که طیف وسیعی از مزدبگیران را تشکیل می دهد، از نظر کمی و نیز موقعیت ویژه آن در تولید و خدمات، چنانچه مبارزات خود را سازمان دهی کند و اهرمهای تشکیلاتی انقلابی لازم را برای کسب حقوق پایمال شده خود ایجاد کند، آنوقت جامعه در مسیر تغییرات بنیادی قرار خواهد گرفت. چگونگی برگزاری اول ماه مه در ایران نشان خواهد داد که تا چه اندازه کارگران و مزدبگیران جامعه در این راه پیش رفته اند. از این رو اول ماه مه امسال برای آینده جامعه تعیین کننده خواهد بود. رزم آوری زحمت کشان با رژیم استبداد سرمایه داری در اول ماه مه برای همه مدافعان طبقه کارگر، کمونیست ها و نیروهای مترقی شاخص مهمی برای تنظیم سیاست و برنامه آن هاست.

زنده باد رزم انقلابی کارگران!

پیش به سوی سازماندهی مبارزات کارگران و زحمت کشان!

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی!

دست مزدوران سرمایه و عوامل جمهوری اسلامی از طبقه کارگر ایران کوتاه!

زنده باد سوسیالیسم!

۳۰ آوریل ۲۰۱۰

جابر کلیبی